

درس هشتم

داستان نویسی (۱)

دانش‌آموزان با خواندن داستان و با توجه به عناصر داده شده در متن، داستان را کامل بیان کنند و بنویسند.

دانش‌آموزان از ابزارهای انسجام (کلمه‌های ربط و ...) در جمله‌های داستان به صورت مناسب استفاده کنند.

دانش‌آموزان نامی برای داستان انتخاب کرده و بنویسند.

دانش‌آموزان داستان را دوباره بخوانند و برای دیگران تعریف کنند.



باهم بیاموزیم (فعالیت‌های کلاسی)

معلم در ابتدا از داستان‌های بسیار آشنا یا ماجراهای روزمره استفاده می‌کند و از یک دانش‌آموز می‌خواهد داستانی را برای دوستانش تعریف کند و بنویسد. اما قسمت پایانی را بازگو نکند و ننویسد. هم‌زمان روی تابلو نماد کوه‌مانند عناصر داستان کشیده شده است. دانش‌آموزان با هدایت معلم درباره‌ی قسمت‌های بیان شده‌ی داستان صحبت می‌کنند و عناصر داستان مشخص می‌گردد. بعد از صحبت درباره‌ی این موضوع که بخش پایانی داستان بیان نشده است، دانش‌آموزان در تعامل با هم پایانی برای داستان بیان می‌کنند (گفتاری و نوشتاری).

در مراحل بعدی داستانی بدون بیان حل مسئله، سپس داستانی بدون بیان مسئله و در پایان داستانی بدون آغاز بیان می‌شود و دانش‌آموزان هر داستان را با توجه به عناصر دیگر داستان کامل می‌کنند. لازم است هر دانش‌آموز داستان‌ها را بازگو کرده و بازنویسی نماید.

۱. ببینید، بشنوید و بگویید.



پسر مهربان



همکار و والدین گرامی! برای انجام این تمرین به روش زیر عمل کنید:

۱. از دانش‌آموزان بخواهید به تصاویر نگاه کنند.
۲. یکی از دانش‌آموزان با راهنمایی شما و با توجه به شکل نمادین عناصر و قسمت‌های مختلف داستان، داستان را بدون بیان آخر داستان بازگو نماید، دیگر دانش‌آموزان قسمت حذف شده را بگویند تا داستان کامل شود.
۳. به همین ترتیب دانش‌آموز دیگری داستان را بدون قسمت حل مسئله بگوید و دانش‌آموز بعدی با بیان آن قسمت، داستان را تکمیل و بازگو نماید.
۴. بیان داستان بدون قسمت «مسئله» و پس از آن بدون قسمت «آغاز» توسط دانش‌آموزان صورت می‌گیرد و دیگران قسمت حذف شده را بازگو می‌کنند و داستان را کامل می‌نمایند.
۵. برای یک داستان تصویری آخرین مرحله، بیان عبارت آغاز یک داستان «یکی بود، یکی نبود» و بازگویی کل داستان توسط دانش‌آموزان است.
۶. توجه به شکل نمادین داستان و پرسش و پاسخ درباره‌ی قسمت حذف شده از داستان به فهم دانش‌آموزان از عناصر داستان و توالی آن‌ها کمک می‌کند.
۷. انتخاب نامی مناسب برای داستان با توجه به محتوای آن و آموخته‌های سال چهارم صورت گیرد.
۸. بر کاربست ابزارهای انسجام هنگام تعریف داستان توسط دانش‌آموزان بسته به توانایی‌هایشان، تأکید نمایید.

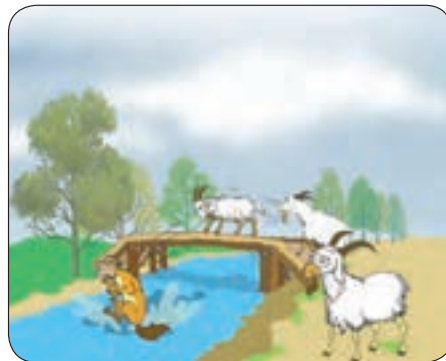
متن داستان:

یکی بود، یکی نبود، غیراز خدا هیچ‌کس نبود. رامین دانش‌آموز کلاس ششم است، او خیلی مهربان و شجاع است. رامین یک روز عصر بعد از بازی با دوستانش به خانه برمی‌گشت که ناگهان در راه خانه پرنده‌ای زخمی دید. برای همین رامین پرنده را برداشت، به خانه بُرد و با کمک مادرش، زخم پرنده را بست. پرنده بعد از چند روز، خوب شد، پرواز کرد و رفت.



همکار گرامی! برای انجام صحیح تمرین‌های این درس، پس از دیدن تصویرها و خواندن قسمت‌های داده شده‌ی داستان، دوباره بر شکل نمادین تأکید کنید و در تعامل با دانش‌آموزان جمله‌های داده شده در متن را با عناصر داستان تطبیق دهید. سپس با پرسش و پاسخ، توجه دانش‌آموزان را به بخش حذف شده‌ی داستان جلب کنید و ذهن آن‌ها را به سوی تکمیل قسمت حذف شده‌ی هر داستان هدایت کنید.

۲. به تصویرها نگاه کنید، داستان را بخوانید و آخر داستان را کامل کنید. نامی زیبا برای آن بنویسید.



نام داستان:

یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ‌کس نبود. سه تا بز چاق و سفید با موهای بلند با هم دوست بودند. بزها در یک روز بهاری چمنزاری را آن طرف رودخانه می‌بینند و می‌خواهند از روی پل عبور کنند تا آنجا بروند. ناگهان آقا گرگه جلوی آن‌ها را می‌گیرد. اما بزها به گرگ شاخ می‌زنند و گرگ را در رودخانه پرتاب می‌کنند. سرانجام.....

۳. به تصویرها نگاه کنید، داستان را بخوانید و با یک جمله‌ی مناسب در ارتباط با حل مسئله‌ی داستان، جاهای خالی را کامل کنید. نامی زیبا برای داستان بنویسید.



نام داستان:

یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ کس نبود. نازنین ۷ سال دارد و با پدر و مادرش در روستا زندگی می‌کند. مادر نازنین دیروز از او خواست به مغازه برود و تخم‌مرغ بخرد. او به مغازه رفت. اما با همه‌ی پولش شکلات خرید و دیگر پولی برای خرید تخم‌مرغ نداشت. در آخر مادر او را بخشید و به نازنین پول داد تا دوباره به مغازه برود و تخم‌مرغ بخرد.

۴. به تصویرها نگاه کنید، داستان را بخوانید و با یک جمله‌ی مناسب در ارتباط با مسئله‌ی داستان، جاهای خالی را کامل کنید. نامی زیبا برای داستان بنویسید.



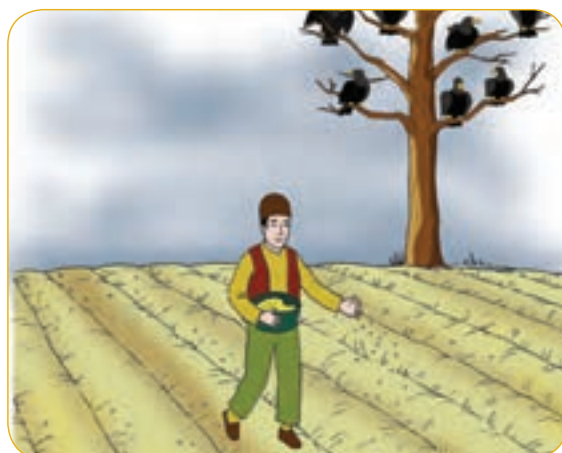
نام داستان:

یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ کس نبود، موش کوچولوی لاغر و قهوه‌ای یک شب از لانه‌اش برای پیدا کردن غذا بیرون رفت که ناگهان
در آن موقع موش کوچولو نترسید و فکر کرد. او با دندان‌های کوچکش طناب‌ها را جوید و پاره کرد. در پایان شیر آزاد شد و آن‌ها با هم دوست شدند.

والدین گرامی! از داستان‌هایی که بارها برای فرزندتان گفته‌اید یا خوانده‌اید استفاده کنید. داستان را بگویید و هر بار بخشی از آن را حذف کنید و با تغییر آهنگ و لحنی که به صدایتان می‌دهید و با تغییر در حالت چهره‌تان بخواهید فرزندتان قسمت حذف شده را بازگو کند. نوشتن داستان و تکمیل آن به دست فرزندتان فرصت تعاملی خوبی برای شما فراهم می‌آورد.



۵. به تصویرها نگاه کنید، داستان را بخوانید و با یک جمله‌ی مناسب در ارتباط با آغاز داستان جاهای خالی را کامل کنید. نامی زیبا برای داستان بنویسید.



نام داستان:

روزی روزگاری،
 وقتی کشاورز از مزرعه دور شد، کلاغ‌ها آمدند و دانه‌ها را خوردند. کشاورز فکر کرد و یک مترسک ترسناک درست کرد و در مزرعه گذاشت. از آن به بعد کلاغ‌ها از مترسک می‌ترسیدند و دانه‌ها را نمی‌خوردند.

۶. با راهنمایی آموزگار خود یکی از داستان‌های این درس را نقاشی کنید، بگویید و بنویسید.



نام داستان:

.....

.....

.....

